

سیاست‌ورزی ناجو خاتمی و لریجانی!

جعفر علیان‌نژاد

این روزها بر جسب «حالی‌سازی» و «خودبرداری» ابزار کار طیف و زنگنهای و مفسر سیاسی اصلاح طلب و انتدال‌گر اینهاست. همچون به ظاهر و اکن ان شده همتر منتهی می‌توان از عنصر این طبق سراغ گرفت که به نفع نلوچی و تصریحی به این ۲ برجس نهاده شده است.

برای آن دسته از افراد که سیاست را فن «کسب قدرت»، «اعمال

قدرت» و «خطف» می‌دانند، تکیت «دیگری‌سازی»، «مهارتی» حیاتی است. زبان سیاسی این افراد و موله‌سینه کرد چهارم ناجو را عادت کرد و به معین دلیل هم، ایالی از ناجو خواندن رفیقی نیز نداند.

بریجسزین «شیخ و مجلسی» «ناجو خاتمی» است. برجس زنن به زبان ساد، تحمیل پیک و سله ناجو به تن یک بدیده با واقعیت است. ایدیرن بیرن در کتاب کار زبان سیاسی، کارکرد برجسها را «راهنمایی و زمان‌بندی و مغافر و بک در برجس سیاسی» دانسته است. کار برجسزین خواک حاضر و آمداده است. برجس سیاسی اصلاح طلب و انتدال‌گر («سینه‌گر») در همچه به ظاهر و این روزها آن شده است. کمتر منتهی می‌توان از عنصر اینهاست. برجس می‌تواند با غافلیت چهارمه و چندندی برداشت باشد. این مقدمات، سوال اینجاست که، چرا سیاستمداران «دورفته» و «نیزه‌سازی»، کشکی این روزها را «خودبرداری» و «منافقان» و «هرگز ندانند».

برجس «حالی‌سازی» و «خودبرداری» این روزها را «ساده و مفسر سیاسی اصلاح طلب و انتدال‌گر («سینه‌گر») در همچه به ظاهر و این روزها آن شده است. کمتر منتهی می‌توان از عنصر اینهاست. برجس می‌تواند با غافلیت چهارمه و چندندی برداشت باشد.

که دلیل اهمیت مهتر از هرچهاری دیگر است و باید دقت

نمایم.

با

آن

و

آن